

خانواده و اهل بیت پیامبر ﷺ

نویسندگان: علی عبدالله صالح آسانی، شارون (M. Sharon)

ترجمه: روح الله کلیا

نقد و بررسی: سید محمد علی ایازی

قرآن پژوه و نویسنده

چکیده

مقاله اهل بیت با عنوان «The Family Of The Prophet» (خانواده پیامبر) از علی عبدالله صالح آسانی و مقاله اهل البیت (The People Of The House) از شارون در دائره المعارف قرآن لیدن منتشر شده است.

نویسندگان هر دو مقاله، به رغم مراجعه به منابع متعدد، دچار کاستی و اشتباهاتی شده‌اند که مهمترین آنها ریشه در ندیدن استدلالهای طرف مقابل دارد. مقاله اول بسیار فشرده و کوتاه و مسائل اصلی در آن طرح نشده است و مقاله دوم هر چند به موضوعات بسیاری پرداخته است، اما از ادای حق مطلب برنیامده و گاه

به منابعی استناد کرده است که با بافت کلام در آیات سازگاری ندارد و مهمتر اینکه به منابع محدودی است از غربیان مراجعه کرده شاید به این علت که به منابع متنوع شیعی دسترسی نداشته یا تصور می‌کرده است مراجعه به منابع نیازی ندارد! در این مقاله با بررسی مهم ترین آیه مربوط به موضوع اهل بیت (احزاب / ۳۳) احتمالات و شواهد امر بررسی و دیدگاه شیعه توضیح داده خواهد شد.

کلیدواژه: اهل بیت، خانواده پیامبر، مستشرقان، دائره المعارف لیدن.

ترجمه مقاله خانواده

پیامبر ﷺ

سلسله خانوادگی پیامبر؛ که قرآن از آن برای متمایز ساختنش از بقیه مسلمانها، چند بار سخن به میان آورده است. این امر همچنین با گرایش عمومی قرآن برای مبالغه (تأکید) در حق خانواده و ذریه بیشتر پیامبران هماهنگی دارد. (ر.ک. به: مقاله پیامبران و پیامبری). به عنوان مثال به سوره آل عمران که به نام خاندان عمران (پدر موسی) نامگذاری شده است، توجه کنید. متون مختلفی در قرآن به خانواده پیامبر اشاره می‌کند. آیه ۴۱ سوره انفال ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ...﴾ و آیه ۷ سوره حشر (ما افاء الله علی رسوله...) یک بخش از غنائم و بقیه اموالی را که از کفار گرفته شده است (ر.ک. به: مقاله‌های جنگ؛ هجرت و جهاد؛ ایمان و کفر) را مخصوص خانواده پیامبر

می‌داند که باید به آنها اعطا شود؛ زیرا آنها در قیاس با بقیه مردم مجاز نبودند زکات و صدقات را دریافت کنند. (ر.ک. به: مقاله‌های صدقات؛ زکات) همچنین در سوره احزاب آیات زیادی در مورد سفارش به زنان پیامبر در نحوه پوشش و لباس (ر. ک به: مقاله لباس پوشیدن) وجود دارد که برای حفظ مقام والای آنان در میان جامعه اسلامی صادر شده است (ر. ک. به: مقاله اجتماع و جامعه در قرآن)؛ ضمن آنکه آیه ۳۳ سوره احزاب آشکارا خانواده پیامبر را «اهل بیت» خطاب می‌کند و به جایگاه عصمت ویژه آنها اشاره می‌نماید ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾. از طرف دیگر قرآن شدت خائنین از خاندان پیامبر، مخصوصاً ابولهب عموی پیامبر و همسر او را، لعنت می‌کند. مفسران مسلمان قرآن درباره تعریف «خویشاوندان پیامبر» اختلاف کرده‌اند. بعضی از آنها تفسیری فراخ از آن ارائه می‌دهند تا شامل اهل قریش (قبیله پیامبر) بشود. (ر.ک. به:

مقاله قبیله‌ها و طایفه‌ها) و عده‌ای آن را به طائفه ایشان (بنی‌هاشم) محدود می‌دانند. شیعه در راستای تکریم علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و فرزندانش به عنوان وارثان حقیقی پیامبر، معمولاً واژه اهل‌بیت را خانواده نزدیک پیامبر تعریف می‌کند، یعنی دخترش، فاطمه علیها‌السلام، دامادش علی علیه‌السلام، دو پسر او حسن و حسین علیهما‌السلام، و نوادگان آنها. (ر.ک. به: مقاله آقای بار - اشر و مقاله اهل بیت و مقاله هاشمیات) شیعیان برای اثبات این تفسیر به تعدادی روایت تاریخی استناد می‌کنند که بر اساس آنها پیامبر یک بار فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم‌السلام را زیر پوشش خود (کساء) جمع کرد و آنها را با عنوان «خانواده خویش» مورد خطاب قرار داد و برای محفوظ ماندن آنها دعا نمود.

به این دلیل آنها به عنوان اصحاب کساء شناخته شدند. تفاسیر قرآنی مشهور و کلامی شیعه جایگاه الهی خانواده خاص پیامبر را چنان رفیع قلمداد می‌کنند که مدعی‌اند بسیاری از آیاتی که در وصف مؤمنان حقیقی در قرآن آمده است، در درجه اول و به صورت تام، درباره ایشان است و (در درجه بعدی) بالعرض درباره بقیه مردم می‌باشد. (ر.ک. به: مقاله علم کلام و قرآن) به این صورت، بعضی از مفسران شیعه معتقدند سوره انسان (مردمانی را که خوبی را بر بدی ترجیح می‌دهند، ستایش می‌کند) به طور خاص برای بازگویی اخلاق اهل‌بیت نازل شده است که کارها و زندگانی آنها می‌تواند نوعی سرمشق حقیقی در قرآن باشد.

ترجمه مقاله اهل

بیت ﷺ

اهل البیت در لغت به معنای خانواده، خانواده شرافتمند، خانواده پیشرو (رئیس) و به احتمال زیاد کسانی که در نزدیکی خانه خدا (کعبه) زندگی می‌کنند، می‌باشد. (ر.ک. به: مقاله‌های خانگی؛ خانه؛ مقدس)

اگر این کلمه بدون الف و لام به کار رود به معنی خانواده و ساکنان خانه می‌باشد. (ر. ک. به: مقاله‌های خانواده؛ اهل طایفه؛ اجتماع و جامعه در قرآن) در شیعه. (ر.ک. به: مقاله شیعه و قرآن) مانند اهل سنت، از کلمه اهل البیت معمولاً «خانواده پیامبر» فهمیده می‌شود. این کلمه در قرآن دو بار با الف و لام تعریف (احزاب / ۳۳ و هود / ۷۳) و یک بار بدون الف و لام (قصص / ۱۲) آمده است.

مطابق نظر اهل لغت هنگامی که «اهل» در یک عبارت با نام یک شخص ظاهر شود، به خانواده و

خویشاوندان خونی او اشاره می‌کند (ر.ک. به: مقاله‌های خون؛ خویشاوندان خونی)، ولی وقتی که با بقیه اسمها به کار رود، معنای گسترده‌تری را می‌رساند، پس معنای اصلی اهل البیت ساکنان یک خانواده یا خیمه می‌باشد.

عربها برای احترام گذاشتن به ساکنان مکه (اهل مکه) به آنها، اهل خدا می‌گفتند؛ همان گونه که به کعبه، خانه خدا (بیت الله) می‌گفتند. اهل مذهب، کسانی‌اند که یک نظر را اظهار می‌کنند و منظور از اهل اسلام نیز همان مسلمانان می‌باشند.

قرآن چند بار از واژه اهل برای اشاره به یک گروه خاص استفاده کرده است. گاهی این کلمه با نام یک مکان به کار می‌رود و به ساکنان آنجا اشاره می‌کند، مثل اهل یثرب یا اهل مدین (طه / ۴۰ و قصص / ۲۵) و گاهی برای اشاره به مردم مکانهای غیر مشخص به کار می‌رود، مانند اهل قریه (ساکنان یک شهر یا روستا)، اهل قرا (ساکنان روستاها) (اعراف / ۹۸ - ۹۶، یوسف / ۱۰۹، حشر / ۷ در ضمن

ر.ک. به: مقاله شهر). واژه اهل در بقیه موارد به بعضی از گروههای خاص مردم که ویژگیهای شخصیتی مذهبی یا اخلاقی دارند، اطلاق می‌شود، مانند اهل الذکر (مردمان یادآوری) یا اهل نار (مردمان آتش «جهنم») یا دارای معنای «متناسب» می باشد که در این صورت این واژه بیانگر یک فرد است؛ نه یک گروه، مانند اهل تقوی (شخصی متناسب با تقوا)، یا اهل مغفرت (شخصی متناسب با بخشش). واژه اهل البیت، زیر یک یا چند عنوان از این عنوانها قرار می گیرد، یعنی مردمی که به گونه‌ای حقیقی یا سیاسی - اجتماعی به یک خانه تعلق دارند. با این همه، حداقل در یک مورد (احزاب / ۳۳) ارتباط آن با پیامبر، این کلمه را دارای عنوانی مهم در متن قرآنی و حدیثی کرده است. (ر.ک. به: مقاله‌های ارزشها در قرآن؛ قرون باستان و میانه؛ حدیث و قرآن)

کاربرد قرآنی اهل البیت

در آیه ۷۳ سوره هود، در داستان ابراهیم علیه السلام و رسولان الهی، هنگامی

که همسر آن بزرگمرد مطلع می‌شود که قرار است یعقوب و اسحاق را به دنیا آورد، با این سخنان واکنش نشان می‌دهد: «آه! آیا در این حال که خود و همسرم پیر شده‌ایم، فرزندی به دنیا می‌آورم؟ این واقعاً امری عجیب است»، فرشتگان جواب دادند: «آیا از امر الهی تعجب می‌کنی؟ رحمت و برکات خدا بر شما باد ای اهل خانه...»

این عبارت در آیه ۱۲ سوره قصص که در لابه‌لای داستان نجات موسای نوزاد توسط همسر فرعون واقع شده، بدون حرف تعریف آمده است. خواهر موسی علیه السلام می‌پرسد: «آیا شما را راهنمایی کنم به اهل خانه‌ای که او را برای شما نگهداری کنند؟»

در آیه ۳۳ سوره احزاب آمده است: «خداوند تنها می‌خواهد پلیدی را از شما، ای اهل خانه، دور کند و شما را به طور کامل پاک گرداند».

دو آیه اول (سوره های هود و قصص)، تقریباً به عقیده همه مفسران مسلمان به معنی خانواده می‌باشد؛ در مورد اول خانواده ابراهیم علیه السلام و در مورد دوم خانواده

موسای نبی ﷺ، ولی در آیه ۳۳ سوره احزاب، واژه بیت به احتمال زیاد به معنای خانواده نیست، بلکه به معنای کعبه (خانه خدا) است، بنابراین ترکیب «اهل‌البیت» گویا به معنای قبیله قریش یا جامعه اسلامی به طور عام می‌باشد؛ همانگونه که رودی پارت [مترجم قرآن] چنین فهمیده است.

قبیله قریش در یکی از روایت‌های اولیه اسلام، به صراحت اهل‌البیت نامیده شده‌اند. در این روایت که در کتاب طبقات ابن سعد آمده است، قصی به یکی از افراد قبیله‌اش می‌گوید: «شما همسایگان خدایید و مردمان خانه او». از این جهت این واژه معنایی گسترده‌تر نیز پیدا خواهد کرد. این واژه شامل همه کسانی می‌شود که به کعبه احترام می‌گذارند. این معنای اصیل در برابر تفسیر دیگری که گستره کوچک‌تری (خانواده پیامبر) دارد، مورد غفلت واقع شده است و در نتیجه آیه ۳۳ سوره احزاب، مستمسک هر دو گروه شیعیان و عباسیان برای ادعای رهبری جامعه اسلامی شده است.

(ر.ک. به: مقاله سیاست و قرآن) شیعیان ادعا دارند که این آیه درباره انتخاب خاندان علی [علیه‌السلام] از سوی خدا و برتری آنان بر همه خاندانهای دیگر پیامبر سخن می‌گوید. به طور یقین، این انتخاب الهی توسط احادیث معروف که مختص به شیعه و یا اهل سنت نیستند، پذیرفته شده است. بنابراین پیامبر فرموده است: «خدا مردمان را آفرید و آنان را در دو دسته قرار داد و مرا در بهترین آن دو دسته جای داد. سپس این دسته را به قبائلی تقسیم کرد و مرا در بهترین آنها قرار داد. آن‌گاه آن قبیله را به خانواده‌هایی تقسیم کرد و مرا در بهترین آنها قرار داد؛ خانواده ای با بهترین نسب» (فضایل، فیروزآبادی، ۶/۱).

درباره مصادیق افراد انتخاب شده، نظرات مختلفی وجود دارد. تمایل شیعه بر آن بوده است که فهرست انتخاب را همواره تنگ‌تر گرداند تا منتخبان در نهایت انحصار قرار گیرند.

یکی از مشهورترین روایات شیعه و سنی در ارتباط با تفسیر آیه

۳۳ سوره احزاب، حدیث معروف کساء می باشد که با وجود اختلافات زیاد در نقلهای این حدیث، نظریه «پنج تن مقدس» در آن تثبیت شده است. مطابق نقل، پیامبر گفته است: «این آیه در حق من و علی و فاطمه و حسن و حسین [علیهم السلام] نازل شده است». مطابق روایت، هنگام نزول آیه، پیامبر عبا یا شئل (کساء به معنای لباس و رداء خویش) را بر روی داماد، دختر و دو نوه اش کشید و گفت: «ای خدا! اینان خانواده من (اهل بیت) هستند که من آنها را برگزیده ام. پلیدی را از آنها دور کن و کاملاً پاکیزه شان نما.» پیام روشن سیاسی در این روایت، توسط اضافاتی در روایات دیگر مورد تأکید واقع شده است. چنانکه در یک روایت پیامبر می گوید: «ای خدا! دشمن دشمنان شان هستم» یا پیامبر در حال دعا به خدا می گوید: «ای خدا! دشمن دشمنان شان باش». روایات دیگری که کمک و عشق به اهل بیت را یک وظیفه دینی و بغض آنها را گناه می شمردند، در همین

دسته روایات سیاسی قرار دارند. مثلاً پیامبر می فرماید: «کسی که اهل بیت را ناراحت کند یا علیه آنان بیجنگد یا به آنها حمله کند یا نفرین نماید، خدا مانع ورودش به بهشت می شود».

در بیان دیگری که به پیامبر منسوب است، می خوانیم: «اهل بیت من را می توان به کشتی نوح [علیها السلام] تشبیه نمود. هر که بر آن سوار شود، هدایت یابد و هر که بدان چنگ زند موفق می شود و هر که به آن دست نیابد، به جهنم فرو می رود».

با آنکه نظریه «پنج تن برگزیده» مهم ترین تفسیر شیعه از این آیه می باشد، دلیلی وجود ندارد که توضیح دهد چرا عصمت مطرح شده در این آیه، به طور شفاف تری به این خانواده مقدس ارتباط داده نشده است. (ر.ک. به: مقاله پاکي؛ عصمت مراسمی)

به جز واژه اهل بیت، واژه های اسلامی دیگری مثل «العترة الطاهرة» (خانواده مقدس) و «الذرية الطيبة» (نسل پاک) وجود دارند که در مقایسه با خانواده مقدس در

مسیحیت (مسیح، مریم و یوسف) دارای معنای والاتری می‌باشند. در تاکید این نکته باید گفت فاطمه و مریم علیها السلام به صراحت در کنار یکدیگر به عنوان بانوان بهشت یاد شده‌اند و فاطمه علیها السلام حتی ملقب به بتول (پاک) است. (ر.ک. به: مقاله‌های جنس و جنسیت؛ تقوا؛ عصمت) که یکی از اختصاصی‌ترین القاب برای شخصیت زن، در نگاه اسلام به خانواده معصوم، می‌باشد. هنگامی که عباسیان به قدرت رسیدند، آنان نیز پایه مشروعیت حکومت خویش را خویشاوندی با پیامبر اعلام کردند و در نتیجه واژه اهل‌البیت دستخوش تغییراتی گردید. شیعه معتقد بود اهل‌البیت همان پنج تن مقدس هستند. در مقابل عباسیان تلاش زیادی کردند دامنه این خاندان را گسترش دهند تا شامل عباس (عموی پیامبر) نیز بشود. آنان چنین استدلال می‌کردند که زنان هر چند پاک و والا باشند، نمی‌توانند عامل انتقال نسب باشند؛ در حالی که عموی پدری در نبود پدر، معادل پدر است.

گسترش دامنه مصادیق اهل‌البیت در دوره عباسیان هم اکنون مضبوط است. احادیثی که درباره فرایند انتخاب الهی سخن می‌گویند، همین که به طایفه بنی‌هاشم می‌رسند متوقف می‌شوند تا شامل همه خانواده‌های این طایفه (فرزندان طالب و فرزندان عباس و...) بشود. این روایات وقتی خانواده‌های اهل‌البیت را به طور دقیق مشخص می‌کنند، وضوح بیشتری می‌یابند، به طوری که آنان را «آل‌علی، آل‌جعفر، آل‌عقیل و آل‌عباس» معرفی می‌کنند، البته چنین تفاسیری که مورد تمایل احزاب سیاسی بوده است، مورد قبول همه مفسران نمی‌باشد. در کنار تفسیرهای عنوان شده در بالا، ممکن است شخصی به این نتیجه برسد که اهل‌بیت به طور خیلی ساده همان همسران پیامبر هستند، حتی یکی از مفسران تاکید کرده است که اهل‌البیت منحصر در همسران پیامبر است تا بتواند با پایه‌های تفکر سیاسی و حزبی تفسیر یاد شده مخالفت کند. وی می‌گوید: «اهل‌بیت، همسران پیامبر

هستند؛ نه آنانکه دیگران پنداشته‌اند»
(اسباب واحدی ۴۰ - ۱۳۹).

همان طور که ممکن است حدس بزیند یک نوع تفسیر بنیادین نیز وجود دارد که اهل البیت را به دو گروه تقسیم می‌کند؛ یکی اهل بیت السکنی که شامل کسانی که حضور فیزیکی در خانه پیامبر داشته‌اند و دیگری اهل بیت النسب، یعنی خاندان پیامبر. آیه قرآنی که در ارتباط با این تفسیر است، در درجه اول به معنای اهل پیامبر یعنی همسران اوست، ولی شامل یک معنای مخفی (بطن) نیز هست که توسط شخص پیامبر در عمل آشکار شد که در نتیجه، اهل البیت در اینجا هم شامل کسانی می‌شود که در خانه او زندگی می‌کردند، مانند همسران پیامبر و هم کسانی که در نسب با ایشان شریک هستند. آنها هم طایفه بنی‌هاشم و عبدالمطلب هستند. نسخه دیگری از این تفسیر بیانگر آن است که اهل البیت شامل همسران پیامبر و علی علیه السلام می‌باشد (لسان العرب).

در زبان عربی واژه اهل البیت به

طور عام برای مشخص نمودن یک خانواده با شرافت و مؤثر در یک قبیله یا واحد سیاسی - اجتماعی عربی یا غیر عربی به کار می‌رود. معنای شرافت در این عبارت، گاهی به وسیله اضافه شدن این عبارت به کلمه شرف مورد تاکید واقع می‌شود. واژه بیت به خودی خود می‌تواند معنای شرافت بدهد. «بیت العرب اشرفها» (ابن منظور در لسان العرب). کاربرد «اهل البیت» برای نامیدن خانواده‌های مهم و رئیس در دوران جاهلیت، مانند دوران اسلام، خیلی رایج بود. برای اثبات این امر دو مثال کافی است: ابن کلب می‌گوید: نبأته بن حنظله، پهلوان مشهور بنی‌امیه، به خانواده شرافتمند قیس تعلق داشت «و آنان اهل بیته‌اند که اهل قدرت فرماندهی و شرف می‌باشند».

همین عبارت درباره غیر عربها هم به کار رفته است. ابن عساکر در مبحث سلسله بیزانس [در کتاب خود] از ده اهل بیت سخن می‌گوید (۱۰ اهل البیوتات)؛ همچنین در تاریخ از برمکیان به عنوان «از خانواده‌های شریف بلخ» نام برده

شده است.

کاربرد ترکیب «مردم خانه» (اهل بیت) برای اشاره به حالت شرافت و ریاست، منحصر به زبان و فرهنگ عربی نیست و تقریباً بین‌المللی است. رومیهای قدیم درباره Patresmaiorum Genlum سخن می‌گفتند، که به معنای بزرگان طایفه یا خانه می‌باشد. گزارشی که درباره این عبارت رومی وجود دارد، به دوران سلطنت رومیان باز می‌گردد که در آن دوران مجلس سنای روم متشکل از بزرگان دو خاندان بود. ترقینیس پرسسکس، پنجمین پادشاه روم، دو خاندان قدیمی را که نام بزرگان از خانواده‌های درجه دو نامیده می‌شدند، به مجلس سنا اضافه کرد. در کتاب مقدس، کاربرد کلمه خانه (بیت) برای اشاره به یک خانواده خیلی رواج دارد. به علاوه، در بسیاری از موارد، خانه بعد از یک شخصیت مشهور ذکر می‌شود و دارای معنایی مشابه اهل‌بیت در عربی است. مشهورترین این خانواده‌ها، خانواده داوود است. این کلمه هنگامی که بدین گونه

استعمال شود، همان معنای انگلیسی «house» را در مقام ارجاع به خانواده سلطنتی یا یک سلسله (بالعموم) ایفا می‌کند.

در دوران اسلامی به طور کاملاً طبیعی، اعضای خانواده خلیفه، اهل‌بیت نامیده می‌شدند. عبدالله بن عمر وقتی درباره پسر خواهرش عمر بن عبدالعزیز (خلیفه آینده) صحبت می‌کند، می‌گوید: «او به ما اهل‌بیت شبیه است». این سخن به معنی آن است که بنی‌امیه خود را اهل‌بیت می‌دانستند. در نامه‌ای که مروان دوم به مساعد بن عبدالملک بن مروان در جریان شورش علیه خلیفه ولید دوم نوشته است، خلیفه آینده، بنی‌امیه را دوبار با لفظهای «اهل‌بیت» و «اهل بیت» مورد خطاب قرار داده است. می‌توان چنان نتیجه گرفت که وقتی خلافت تثبیت گردید، عادات قدیم عربی برای نامگذاری لقب «اهل‌بیت» بر روی خانواده‌های شریف و رئیس، به همه خانواده‌های خلیفه‌های اولیه سرایت کرد، ولی هنگامی که خلافت علی علیه السلام مورد مناقشه قرار

گرفت، نامیدن خانواده او به اهل‌البیت مورد اتفاق همه امت اسلامی قرار نگرفت. بنی‌امیه و حامیان وی از سوریه درباره مشروعیت حکومت علی علیه‌السلام مناقشاتی نمودند. در مقابل، هم حزبیهای عراقی او و شیعیان، نه تنها به اهل‌بیت بودن خاندان علی علیه‌السلام تاکید نمودند؛ بلکه به این عبارت یک معنای خاص و انحصاری بخشیدند که در آن اهل‌بیت صاحب یک مقام مذهبی خاص شدند که در نتیجه مخالف با عمومیت این عبارت می‌باشد.

ارتباط عبارت «اهل‌البیت» به شخص پیامبر، راه را باز کرد تا، مطابق عقاید شیعه، این تفسیر یک صحیح قرآنی قلمداد شود که از خود قرآن برآمده است. همه تفاسیر سیاسی از اهل‌البیت به این دلیل به وجود آمده‌اند که معنای اصلی آن به طور عمد یا غیر عمد به دست فراموشی سپرده شده‌اند. با این حال باید دقت کرد که این تفاسیر از آیه فوق درباره خانواده پیامبر، غیر ممکن است که با عموم معنای

خانواده یا طایفه پیامبر مطابقت داشته باشد.

به عبارت دیگر اینکه واژه اهل‌البیت در قرآن به معنای خانواده باشد، جای تامل دارد. رودی پارت که بین معنای عام اهل‌البیت و معنای خاص آن تفاوت گذاشته است، عنوان می‌کند که اهل‌البیت در لغت به معنی مردمان خانه است، یعنی کسانی که در کعبه عبادت نموده‌اند. در همه مواردی که کلمه اهل‌البیت در قرآن به کار رفته است، تنها در مقام اشاره به کعبه مقدس می‌باشد. اهل‌البیت ممکن است به تنهایی یا با یک صفت به کار رود، مانند: «الْبیتِ الْعَتِیقِ»، «الْبیتِ الْمَعْمُورِ»، «الْبیتِ الْحَرَامِ».

پارت، به دنبال بیان این حقیقت است که اهل‌البیتی که در آیه ۳۳ سوره احزاب درباره پاکی ایشان سخن به میان آمده است، به خوبی با عقیده تطهیر کعبه توسط ابراهیم و اسماعیل علیه‌السلام تطابق و هماهنگی دارد که در آیات دیگر قرآن هم نمونه دارد. پارت در ادامه می‌گوید: «ممکن است کسی خیلی راحت

نتیجه بگیرد که در هر دو حالت که اهل‌البیت به این صورت در قرآن آشکار شده است، در اصل به معنی کسانی است که به روش اسلام در خانه کعبه عبادت می‌کنند.

در ضمن، نباید غفلت شود که معنای اصلی این واژه پیش از اسلام، قریش بوده است و همین معنا در ارتباط با آن آیه درست می‌باشد و مطابق آیه ۷۴ سوره هود (رحمة الله وبرکاته علیکم اهل‌البیت) ارتباط بیت با کعبه خیلی دقیق نیست.

در مقام جمع‌بندی باید گفت معنای اهل‌البیت در قرآن پیرو معنای قابل قبول آن در جامعه عربی قبل و بعد از اسلام می‌باشد که بیانگر خانواده و روابط خونی و شرافت و ریاست قبیله می‌باشد. فقط درباره آیه ۳۳ سوره احزاب این واژه به نظر می‌رسد دارای یک معنای اختصاصی‌تر می‌باشد.

بررسی و نقد

پیش از بیان برخی نقدهای وارد بر دو مقاله، لازم است توضیحاتی فشرده درباره واژگان، کاربرد و جایگاه اهل‌بیت داده شود، زیرا مشکل اصلی در برداشت این نویسندگان، نداشتن فهم مناسب از اهل‌بیت در سوره احزاب است.

اهل‌بیت در لغت

«اهل» در عرف و لغت به خانواده و اعضای جامعه کوچک منزل گفته می‌شود، مانند زن، پسر، دختر، داماد، خدمتکار و کسانی که در شعاع زندگی مرد صاحب‌خانه زندگی می‌کنند.

اهل و آل، هر دو یک لفظ و یک معنا دارند، لذا گاهی اهل‌بیت و گاهی آل‌بیت می‌گویند؛ گرچه واژه‌ی آل، مخصوص انسانهاست و باید به اسم عَلم اضافه شود و مضاف الیه آن مشهور و معتبر باشد و این شرایط در اهل لازم نیست، لذا اهل مکه و اهل حرم گفته می‌شود، اما آل مکه نمی‌توان گفت.

بیت، به معنای جای بیتوته و سکونت است و به هر کس از خاندان و عائله در خانه و کسانی که پیوند با او داشته باشد، به سبب یا نسب یا دین به کنایه اهل بیت می‌گویند (فراهیدی، العین، ۴۵؛ جوهری، الصحاح، ۴، ۱۶۲۸؛ راغب اصفهانی، مفردات، ۹۶).

کاربرد اهل بیت در قرآن

اهل در قرآن کریم گاهی در معنای عام استفاده می‌شود و به همه خویشاوندان نزدیک فرد (مانند پدر، مادر و خواهر و عمه و خاله و فرزندان آنها) اطلاق می‌شود، مانند: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا» (نساء / ۳۵) گاهی در معنای عام تر از آن به کار می‌رود، مانند: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ» (بقره / ۱۲۶) زمانی هم به صورت خاص استفاده می‌شود: «إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا» (نمل / ۷) در این آیه اهل به زن و فرزند اطلاق شده است. گاهی اهل، تخصیص زده می‌شود و به افراد خاصی از خاندان - با قرینه - اطلاق

می‌گردد، مثلاً خداوند درباره فرزند نوح می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُو عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (هود / ۴۶). این در برابر درخواست نوح است که گفته بود: «إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ» (هود / ۴۵)، از این رو واژه اهل می‌تواند شامل همه این موارد باشد.

ترکیب دو واژه اهل و بیت سه بار در قرآن کریم به کار رفته است:

۱. داستان موسی: آن گاه که موسی نوزادی کوچک بود و خانواده فرعون او را پیدا کردند و از هیچ زنی شیر نخورد، خواهر موسی گفت: «هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ» (قصص / ۱۲)؛ «آیا می‌خواهید شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که او را سرپرستی کنند؟» منظور باطن او از خانواده و سرپرست در واقع همان مادر موسی بود.

۲. داستان ابراهیم: وقتی همسرش از بشارت ملائکه در مورد تولد اسحاق شگفت زده شد:

«أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَتُهُو عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود / ۷۳)؛ «آیا از کار خدا شگفت زده‌ای

و حال آن که مهر و بخشایش خدا و برکات او بر شما خاندان است».

۳. داستان دستور به همسران پیامبر: خداوند در چند آیه با خطاب ضمیر مؤنث، فرمانها و یادآوریهایی را بیان می‌کند. آن‌گاه با تغییر لحن، پیامبر را مخاطب قرار می‌دهد و با ضمیر مذکر از اهل بیت سخن می‌گوید **(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)** (احزاب/۳۳)؛ «همانا خداوند می‌خواهد از شما خاندان پیامبر، پلیدی را ببرد و شما را پاک کند، پاکی کامل» و آیه، خطاب به زنان پیامبر با همان ضمیر مؤنث ادامه می‌یابد.

تفاوت این ترکیب در سه آیه:

اهل بیت در آیه نخست، با صیغه نکره آمده است و مشخص نیست منظور از خانواده چه کسانی‌اند؛ همه خانواده، یا برخی از افراد؟

در آیه دوم نیز شامل همه افراد خاندان ابراهیم می‌شود و به صورت معرفه آمده است،

در آیه سوم، چون کاربرد کلمه، در سیاق آیات مربوط به زنان پیامبر

است، احتمالهایی مطرح شده است.
۱. منظور تنها زنان پیامبر است.
۲. زنان پیامبر و همه خانواده‌اش (تمام کسانی که صدقه بر آنان حرام است) مورد نظر می‌باشد.

۳. به خاطر وجود قرینه و دلیل معتبر، مانند بیان و تفسیر پیامبر، گروهی خاص و معین مورد نظر است.

احتمال اول

برخی از مفسران اهل سنت اعتقاد دارند که به قرینه جمله‌های پیش و پس این فراز قرآنی که درباره همسران پیامبر است، اهل بیت تنها شامل همسران پیامبر می‌شود. اینان برای تأیید نظر خود روایتی از ابن عباس به گزارش عکرمه (سیوطی، الدر المثور، ۶ / ۶۰۲؛ نیشابوری، الوسيط، ۳ / ۴۷۰) نقل می‌کنند که او گفته بود: این آیه درباره زنان پیامبر نازل شده است.

البته علقمه - راوی این خبر - نقل می‌کند که عکرمه خود همواره در بازار فریاد می‌زد که این آیه درباره زنان پیامبر نازل شده است (تفسیر طبری، ۱۲/۱۳، ح ۲۱۷۴۰). و در جایی دیگر آمده است که او

می‌گفت: من با هر کس که منکر این معنا است، مباحله می‌کنم (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۳ / ۴۱۳).

این نظریه توسط مفسرانی چون مقاتل بن سلیمان (م: ۱۵۰ هـ) نقل (تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۳ / ۳۸۹) و به کسانی چون عطا، سعید بن جبیر و محمد بن سائب کلبی و عروة بن زبیر، نسبت داده شده است (الدر المثور، ۶ / ۶۰۳؛ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ۱۴ / ۱۸۲) و نظریه رایج میان خوارج و اباضیه است (اطفیش، محمد بن یوسف، تیسیر التفسیر، ۱۰ / ۲۵۵).

اشکالهای این احتمال تفسیری

۱) روایت ابن عباس در آثار تفسیری وی مانند تنویر المعباس فیروز آبادی و طریق دیگر روایت تفسیری او، که از ابن ابی طلحه نقل شده، نیامده است و نقلی که سیوطی می‌کند، تنها از عکرمه می‌آورد.

۲) عکرمه از خوارج و دشمنان سرسخت علی علیه السلام بود و موضع گیری‌هایی داشت که براساس آنها در این نقل منحصر به فرد نمی‌تواند قابل اعتماد باشد.

۳) اگر مراد تنها زنان پیامبر باشد، باید خطاب در آیه، مانند آیات پیشین با تأنیث آورده می‌شد و می‌فرمود: **﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾**. (ابن جزی، التسهیل لعلوم التنزیل، ۲ / ۱۸۸؛ ابی حیان، البحر المحیط، ۸ / ۴۷۹)، همان طور که جمله‌های بعدی با ضمیر مؤنث آورده شده‌اند و دلیلی نداشت که با تغییر لحن در ادامه همان مخاطب باشد.

۴) در هیچ لغتی نیامده است که مراد از اهل بیت تنها همسران است، همه نقلهای واژگانی اهل را خانواده می‌دانند. شأن نزولی هم نقل نشده است که این فراز از آیه در حق زنان وارد شده باشد یا قرینه‌ای در کلام آمده که مراد تنها زنان پیامبر باشد.

استناد خوارج به روایت ابن عباس: این استناد نیز توسط مفسرانی از اهل سنت، مانند ابی حیان اندلسی (م ۷۵۴ هـ) مورد تردید واقع شده (البحر المحیط، ۸ / ۴۷۹) و ابن کثیر نیز گفته است: اگر منظور از این روایت آن باشد که مراد و مصداق آیه تنها زنان پیامبر

باشند؛ نه دیگران، این سخن صحت ندارد، زیرا روایات و احادیث فراوانی این نظر را رد می‌کنند. (تفسیر القرآن العظیم، ۳ / ۴۱۳).

احتمال دوم:

گروه بیشتری از مفسران اهل سنت گفته‌اند منظور از اهل بیت پیامبر، زنان و خانواده او همچون فاطمه، حسن و حسین و داماد پیامبر ﷺ علی و همه کسانی است که صدقه بر آنان حرام می‌باشد. این نظریه دو بخش دارد.

گروه اول: زنان پیامبر حتماً داخل اهل بیت هستند، ولی شامل آنان و دختر و فرزندان و همسر او می‌گردد. خانه ازواج پیامبر محل نزول وحی است که نباید ناپاک باشد و خطاب آیه به آنان می‌باشد (ابن عطیه، المحرر الوجیز، ۴ / ۳۸۴).

این گروه در برابر این پرسش که اگر آیه شامل زنان پیامبر هم می‌باشد، چرا آیه با لفظ مُذْکَر آمد، می‌گویند: چون شامل پدران همسران آنان نیز می‌شد. (البحر المحيط، ۸ / ۴۷۹) یا چون پیامبر داخل اهل بیت بود، از باب غلبه ضمیر مذکر آورده

شد. (نیشابوری، نظام الدین، تفسیر غرائب القرآن، ۵ / ۶۰؛ تیسیر التفسیر، ۱۰ / ۲۵۵).

گروه دوم: این عمومیت شامل همه خاندان پیامبر، از همسران، فرزندان و نزدیکان و همه کسانی می‌شود که صدقه بر آنان حرام می‌باشد، چون به گونه‌ای به پیامبر وابستگی دارند.

این نظر بر روایتی از زید بن ارقم بنا نهاده شده است. از او پرسیدند: مراد از اهل بیت پیامبر چه کسانی‌اند، آیا زنان پیامبر از اهل بیت پیامبرند؟ گفت: زنان پیامبر نیز جزو اهل بیت پیامبرند، اما اهل بیت پیامبر کسانی‌اند که صدقه بر آنان حرام است، یعنی آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس (البحر المحيط، ۸ / ۴۷۹؛ تفسیر القرآن العظیم، ۳ / ۴۱۳).

استناد این نظریه بیشتر بر لغت اهل بیت و اقوال برخی مفسران مبتنی شده است و در مجموع میان نظریات، قولی شاذ است (ابو الفتوح رازی، روض الجنان، ۱۵ / ۴۲۱).

احتمال سوم:

نظر دیگری که از آغاز توسط جمعی از صحابه پیامبر و برخی مفسران اهل سنت و همه مفسران شیعه مطرح شد، این است که آیه تطهیر تنها در شأن اصحاب کساء - حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین - نازل شد و منظور از اهل بیت آنان هستند.

این نظریه مستند به شواهد، قراین و روایات فراوانی از پیامبر، صحابه و بویژه زنان پیامبر می باشد. نکته مهم در این نظریه این است که هرچند لغت و سیاق آیات با نظریه های پیشین منافاتی ندارد، اما دو نکته را نمی توان فراموش کرد:

نکته اول: بدون شک رسول گرامی اسلام، در تبیین معانی، اشارات و اهداف آگاهترین مردم به قرآن بود و هنگام اشتباه امور، مرجع دیگران قرار می گرفت. قرآن کریم به صراحت این مسئولیت تفسیری را به عهده ایشان گذاشت و فرمود:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل / ۴۴)؛ «و قرآن را به تو فرو فرستادیم تا برای

مردم آنچه را که به سوی آنان فرو فرستاده شده است، روشن بیان کنی». به همین دلیل پیامبر در موارد بسیاری که در ابتدا گمان می رود معنایی دارد که از ظاهر استفاده می شود، دست به کار شد و به توضیح و تبیین آن پرداخت.^[۱] یا مصادیق آیه را بیان کرد.^[۲] طبعاً اگر در جایی پیامبر تفسیر آیه ای را بیان کرد، یا مصداق آن را به صورت انحصاری مشخص نمود و نقل کلام احراز شد، جای بیان برای دیگران باقی نمی ماند و معنا ندارد که قول عکرمه و حتی ابن عباس - اگر ثابت شود که قول وی است - بر پیامبر مقدم داشته شود و این معنا همان چیزی است که بنابر اخبار فراوان از منابع و طرق اهل سنت و شیعه نقل شده است که پیامبر فرمود: اهل بیت پیامبر فقط اهل کسا (افرادی که در زیرعبای پیامبر جای داده شدند) هستند و آنان به استناد این آیه مبارکه از تمامی گناهان پاکیزه اند چون خداوند اراده کرده است آنان پاک و مَطَهَّر باشند.

این روایات که به موضوع یاد

شده دلالت دارند، چند دسته‌اند.

الف) روایاتی که شأن نزول آیه را بنابر نقل عایشه و ام سلمه و ابو سعید خدری، واثله بن أسقع و آنس بن مالک، از صحابه پیامبر نقل می‌کنند، یا خود می‌گویند یا از پیامبر چنین نقل می‌کنند:

«نزلت هذه الآية في خمسة» (این روایات را طبری در تفسیر جامع البیان، ج ۱۲، ص ۹ آورده است). (این آیه درباره این پنج نفر، یعنی پیامبر و فاطمه، علی، حسن و حسین نازل شده است) و هیچ روایتی از پیامبر نداریم که معارض با این خبر باشد.

ب) روایاتی که بسیار نقل شده‌اند و بر اساس آن، صحابه پیامبر با اختلاف مقدار (به اندازه مشاهده و حضور خود هنگام نماز) در شش تا نوزده ماه دیده‌اند که پیامبر هرگاه برای نماز بیرون می‌رفت، به در خانه فاطمه می‌آمد و می‌گفت: «الصلاة يا اهل البيت»، «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». (جامع البیان، ۱۲ / جزء ۲۲ / ص ۹؛ کنز

العمال، ۱۶ / ۲۵۷؛ لباب التأویل، ۳ / ۴۶۶؛ الدر المنثور، ۶ / ۶۰۴ - ۶۰۷؛ تفسیر القرآن العظیم، ۳ / ۴۱۳؛ مسند احمد، ۳ / ۲۵۹؛ الجامع الصحیح، ۵ / ۳۵۴؛ مستدرک حاکم، ۳ / ۵۸؛ البداية والنهاية، ۸ / ۲۰۵).

این روش به شیوه عملی مصداق اهل بیت در آیه را به مسلمانان نشان داد و به دقت مشخص کرد تا کسی بعدها در اصل آن نتواند تردید کند. از همین رو این عمل رسول خدا طی مدت طولانی تکرار شد.

ج) در دسته‌ای از روایات آمده است: عایشه یا ام سلمه - از زنان پیامبر - هنگام وقوع داستان و نزول آیه از پیامبر درخواست حضور در جمع اصحاب کسا را کرد و پرسید آیا از جمع آنان است؟ پیامبر با تعبیرهای مختلف فرمود: شما بر نیکی و خیر هستید، شما از زنان پیامبر هستید: **إِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ، أَنْتَ مِنَ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ** (همان منابع). تعبیرهای دیگری هم هست که به صراحت یا کنایه - طبق این نقلها - آنان را از اهل بیت نمی‌شمرد. در برخی روایات می‌فرماید: «وَأَنْتَ مِنَ أَهْلِی»

(طبری، همان، ش ۲۱۷۳۲)؛ «تو از اهل من هستی»، یعنی جزو این اصطلاح قرآنی که معنای مخصوص می‌دهد، نیستی.

این بیانات در روایات و منابع شیعه از امام علی، حضرت زین العابدین، امام صادق و امام رضا هم نقل شده است (تفسیر البرهان، ۳ / ۳۲۴؛ بحار الأنوار، ۳۵ / ۲۲۳ و ۲۲۷؛ التبیان، ۸ / ۳۰۷ - ۳۰۹).

نکته دوم: سیاق قرآن ابایی از اراده خاص از اهل - اصحاب کسا - ندارد، بلکه بافت جمله به همان حال باقی می‌ماند، چه قبل از این فراز و چه بعد؛ بی هیچ انقطاع و گسست و بدون هیچ گونه ناهماهنگی و تغایر، چون مخاطب تمام این آیات در مرحله اول، پیامبر می‌باشد؛ نه زنان آن حضرت، زیرا به ایشان خطاب می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجَكِ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا...» تا جایی که به مخاطبان دیگر مانند فرزند خوانده‌اش اشاره می‌کند و در ادامه می‌فرماید: «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ». باز در ادامه آیات، در همین فراز به سخن

گفتن با پیامبر می‌پردازد که پیامبر را در آنچه خداوند بر او روا داشته است، تنگنایی نیست «مَا كَانَ عَلَيَّ النَّبِيُّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ» و با آن حضرت و با مؤمنان درباره شئون پیامبر سخن می‌گوید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ».

بنابراین مخاطب همه این آیات یکی (پیامبر) است؛ هر چند موضوعات آنها متفاوت است و در آغاز این فراز به پیامبر فرمان می‌دهد که زنان خود را از اموری آگاه سازد و از این جهت که او پیامبر و صاحب رسالت است، روشن سازد که حفظ خانه نبوت و رسالت چیزی جز حفظ اصل رسالت نیست.

ادامه این فراز قرآنی (تطهیر اهل بیت) نتیجه‌گیری از تمام تذکراتی است که قرآن به زنان پیامبر داده است، چون نخست نمی‌خواهد از ناحیه منسوبان سببی که پیوند مجازی با پیامبر دارند، به مقام رسالت و اهل بیت او که انتساب حقیقی دارند، آسیبی برسد و در

ادامه مسئله منسوبان حقیقی - خاندان - را مطرح می‌کند. به همین دلیل، بیت در آیه با الف و لام عهد آمده، تا به این نکته اشاره شود که مراد از این بیت «افراد خانه مسکونی» که پیش از این با لفظ بیت درباره آنان فرمود «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»، نیست. در آن جا با صیغه جمع مؤنث و خطاب به زنان پیامبر فرمود، چنان که پس از فراز آیه تطهیر، باز همان افراد بیت مسکونی در خطاب به زنان حضرت استعمال شد و فرمود: «وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب / ۳۴)، اما در این جا با ضمیر مذکر و جمع و با الف و لام عهد و در خطاب به پیامبر آمده که نشان می‌دهد منظور از اهل‌البیت، آن اهل و آن بیت در فرازهای پیشین نیست.

بر فرض که منظور از بیت، خانه مسکونی باشد، اشاره به خانه و افراد خاصی است که رسول اکرم اهل کسا (عبا) را در آن گرد آورد. شاهد این مطلب نیز روایت ام سلمه است که او را اهل خود قرار داد؛ نه از اهل‌بیت خویش (جامع البیان، ۱۲ /

۱۱، ح ۲۱۷۳۲) و در روایتی دیگر فرمود: تو از زنان پیامبری؛ نه از اهل‌البیت. (همان، ح ۲۱۷۳۴).

در مقاله یاد شده چنین آمده است: «ارتباط عبارت «اهل‌البیت» به شخص پیامبر، راه را باز کرد تا این تفسیر، مطابق عقاید شیعه، یک صحیح قرآنی قلمداد شود که از خود قرآن برآمده است. همه تفاسیر سیاسی از اهل‌البیت به این دلیل به وجود آمده‌اند که معنای اصلی آن به عمد یا غیر عمد به دست فراموشی سپرده شده‌اند».

با توضیح معنای اهل‌بیت روشن می‌شود که معنای سیاسی به آن داده نشده است؛ بلکه محوریت مرجعیت دینی آنان - آن گونه که در سخن پیشین گفته شد - الزاماً مفهوم سیاسی دارد و معنای مطرح شده نیز برخلاف معنای اصلی نیست، زیرا گفتیم که اهل در لغت به خانواده و اعضای جامعه کوچک منزل شخص گفته می‌شود و در قرآن کریم گاهی در معنای عام یا عام‌تر به کار رفته است، مانند «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ» (بقره / ۱۲۶) و

زمانی به صورت خاص استفاده شده است، مانند «إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لَأَهْلِي إِنَّيْ ءَأَنْسَتُ نَارًا» (نمل / ۷) که در این جا به زن و فرزند اطلاق شده است و گاهی اهل تخصیص خورده و با قرینه به افراد خاصی از خاندان اطلاق گردیده است. از این رو چنین برداشتی از تفسیر شیعه برخاسته از ناآگاهی از مفاد لغت و استعمال قرآن است.

نسبت به ترکیب اهل و بیت نیز باید گفته شود که واژه اهل بیت، سه بار در قرآن کریم به کار رفته است و هیچ کدام با تفسیر شیعه در تضاد نیست و اتفاقاً راه را باز کرده است تا عقاید شیعه مستند به تفسیری شود که از خود قرآن برآمده است.

نکته دیگر اینکه تفسیر اهل بیت از میان معانی فراگیر محدود و به گروهی خاص برگردد، باز مستند به استعمالی است که پیش از اسلام داشت و طبق آن به خانواده‌هایی خاص اطلاق می‌شد، همانطور که نویسنده مقاله گفته است. از این رو نه معنای آن برخلاف

لغت و استعمال است و نه مسئله سیاسی است.

وی می‌نویسد:

«با وجود آنکه نظریه (پنج تن برگزیده) به عنوان مهم‌ترین تفسیر شیعه از این آیه مطرح می‌باشد، دلیلی وجود ندارد که توضیح دهد چرا عصمت مطرح شده در این آیه به طور شفاف‌تر به این خانواده مقدس ارتباط داده نشده است».

در پاسخ به این شبهه یادآور می‌شویم که ادبیات قرآن در بیان مسائل همواره چنین است و این شیوه اختصاص به مسائل بحث انگیز ندارد، حتی در موضوعاتی چون صلوات، صوم و حج و مسائل تاریخی به صورت فشرده، موجز، جسته و گریخته، و گاه با ایهام سخن گفته است. برای نمونه مفسران در ذیل دسته‌ای از همین آیات دچار تردید شده‌اند. در ذیل آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ» (هود / ۱۱۴) اختلاف بسیاری در تفاسیر و کتابهای احکام القرآن به وجود آمده و درباره معنای (طرفی النهار و زلفاً من الليل) احتمالات گوناگونی داده

شده است. برخی طرفی النهار را وقت نماز فجر و مغرب دانسته‌اند؛ برخی صبح و عشا؛ عده‌ای صبح و عصر و گروهی صبح و ظهر: حال این سؤال مطرح است که چرا قرآن نظر خود را به طور شفاف تر بیان نکرده است؟ (ر. ک. به: طوسی، التبیان، ۶ / ۷۹، قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۹ / ۱۰۹)

این مسئله در باب روزه در آیه ۱۸۷ سوره بقره - در وقت ابتدا و انتهای روزه - و احکام حج در آیه ۱۹۶ بقره هم مطرح است (جصاص، احکام القرآن، ۱ / ۳۲۸، ابن العربی، احکام القرآن ۱ / ۱۱۷ - ۱۳۰). به همین دلیل آیه قابل برداشتهای گوناگون شده و زمینه اجتهاد و کاوش فراوان فراهم آمده است مانند آن چه درباره احکام رضاع و وجوب نفقه مُطلَّقه و شکل وضو آمده است. این روش در سایر احکام و اعتقادات و حتی اخلاقیات نیز به کار رفته و موجب بروز اختلاف میان فقها و اهل کلام و باعث کاوشهای فراوان شده است. با این حال این شیوه‌ی بیان، فواید بسیاری دارد و

ضمن گسترش کاوشهای علمی، پژوهشی و بویژه فقهی، راههای گوناگونی را نشان می‌دهد.

جمع‌بندی جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن

مراد از اهل بیت، خانواده جامعی است که به صورت سلبی شامل زنان پیامبر نمی‌شود و این گونه هم نیست که همه وابستگان پیامبر را شامل بشود، اما در مورد دلیل تأکید و معرفی گروهی خاص باید گفت: مهم‌ترین بخش در تعیین جایگاه اهل بیت در جامعه، از نظر قرآن کریم، توجه به مرجعیت علمی و دینی و مسئولیت صیانت از آموزه‌های رسالت است. هندسه این آیات نشان می‌دهد که قاعده هرم آن، بر دلایل صلاحیت اخلاقی و دینی آنان برای ایفای این نقش و پذیرش مسئولیت بنیان‌گذاری شده است، و هرم آن دلیل الگو شدن آنان است، زیرا قرآن در آیه تطهیر، طهارت و عصمت آنان از گناه و خطا را نشان می‌دهد، در آیه مباحله جایگاه و منزلت علی بن ابی طالب - نخستین فرد اهل بیت - را همانند

نفس پیامبر معرفی می کند، و در آیه
 إكمال کمال و تداوم دین به
 مرجعیت اهل بیت می داند. (درباره
 جایگاه اهل بیت در قرآن ر. ک. به:
 اسبر محمد علی، علی فی القرآن
 والسنة؛ شاکری حسین، علی فی
 الكتاب والسنة)

این آیات جدا از آیات دیگری
 است که در روایات پیامبر، مصداق
 اعتصام به ریسمان الهی معرفی شده
 است، مانند: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ
 جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران / ۱۰۳)؛
 (شواهد التنزیل، ۱ / ۱۳۰، ح ۱۷۷ -
 ۱۸۰؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۴۹؛
 ینابیع المودة، ص ۱۳۹) و سؤال از
 اهل بیت در آیه ﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ
 إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل / ۴۳؛ نساء
 / ۷) که با تعبیر اهل ذکر یاد شده
 است، یعنی چون قرآن - یا در
 برخی تعبیرات پیامبر - ذکر است
 (یوسف / ۱۰۴)، لذا اهل بیت، اهل
 و همراه اوست. (احقاق الحق، ۳
 / ۴۸۲؛ ینابیع المودة، ص ۵۱ و ۱۴؛
 غایة المرام، ۳ / ۲۵) و اولی الامر در
 آیه ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
 وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء / ۵۹) و

آیه ولایت ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
 وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رُكْعُونَ﴾ (مائده
 / ۵۵)؛ (ترجمة الامام علی من تاریخ
 دمشق، ۲ / ۴۹؛ اسباب النزول
 واحدی، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ کشف
 زمخشری، ۱ / ۶۴۹؛ تفسیر جامع
 البیان طبری، ۴ / ۳۸۹ / ح ۹۵۲۱ و
 ۹۵۲۳ و ۹۵۲۳؛ الغدیر، ۲ / ۵۲؛
 اصول کافی، ۱ / ۲۸۹؛ احکام القرآن
 جصاص، ۴ / ۱۰۲؛ شواهد التنزیل،
 ۱ / ۲۱۲؛ الکشف والبیان، ۴ / ۸۰).
 که در آیه اخیر به عنوان ولی خدا
 معرفی می گردد.

از مجموع این آیات و تفسیر آنها
 چنین جمع بندی شده است که چون
 پیامبر در حدیث متواتر ثقلین
 (درباره حدیث ثقلین و منابع آن.
 ر. ک. به: کتاب الله واهل البيت فی
 حدیث الثقلین من الصحاح والسنن
 والمسائید، مدرسه امام باقر، قم،
 ۱۳۸۰ ش). معارف الهی، فرایض
 دینی و همه امور مورد نیاز مردم در
 امر هدایت و دینداری را به
 اهل بیت گرانقدرش سپرده است و
 آنان را همتای قرآن و طبق روایات

ثقل اصغر (همان، ۲۲ / ۴۷۶ / ح ۲۵؛ ۲۳، ۱۰۹ / ح ۱۵ و ۱۴۰ / ۸۹) معرفی کرده است و در موارد انبوهی هم چون حدیث سفینه، (بحار الأنوار، ۲۲، / ۴۷۶ / ۲۵؛ ۲۳ / ۱۰۹ / ۱۵ و ۱۴۰ / ۸۹) کشتی نجات امت قرار داده است، پس پیوند قرآن و اهل بیت گسست ناپذیر و پیروی از آنان و بهره گیری از دانشهای بی پایانشان ضروری خواهد بود، بلکه نقش تکمیلی آنان نسبت به تفسیر معارف قرآن حیاتی است، همان طور که در ذیل حدیث ثقلین آمده است: «ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابداً؛ اگر به کتاب خدا و عترت او چنگ بزنید، هرگز گمراه نخواهید شد». (درباره‌ی تحلیل و جمع بندی حدیث ر. ک. به: مقدمه جامع احادیث الشیعة، آیت الله سید محمد حسین بروجردی، ۱ / ۷۹ - ۸۶). در نتیجه وجود اهل بیت در کنار قرآن به معنای گرامی داشتن آنان و چنگ زدن به ریسمان و گرفتن راهنماییهای آنان و پاسداری از خاتمیت است، چنانکه بسیاری از علمایی که در شرح حدیث ثقلین

کتاب نوشته‌اند، این نکته را یادآور شده و معنا و پیام الهی را همین معنا دانسته‌اند. (درباره کتابها و شرحهایی حدیث ثقلین ر. ک. به: کتاب الله و اهل البيت فی حدیث الثقلین من الصحاح و المسانید من مصادر اهل السنة لجنة التحقيق فی مسئله الامامة، مدرسه الامام باقر العلوم).

توضیحات

[۱] به عنوان مثال از این نمونه‌ها در تفسیر ۱۸۷ سوره بقره در معنای خیط ابیض و اسود در تفسیرها نقل شده است. (ر. ک. به: الدر المنثور، ج ۸، ص ۴۷۶)

[۲] چنانکه در آیه ۱۹۷ سوره بقره (الحج اشهر معلومات) که معنای رفت و فسوق و جدال در حج را توضیح داده است. (همان، ص ۵۲۸).

فهرست منابع

۱. آصفی، محمد مهدی، آیه تطهیر، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۱۱ ق، ط ۱.
۲. آلوسی، محمود، روح المعانی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق، ط ۱.
۳. ابطحی، محمد باقر، جامع الاخبار والاثار، مؤسسة الامام المهدي، قم، ۱۴۱۱ ق، ط ۱.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۲۰ ج.
۵. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، تحقیق علی محمد الضباع، المكتبة التجارية، قاهره، بی تا.
۶. همو، التسهیل لعلوم التنزیل، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ط ۱.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند، دار صادر، بیروت، بی تا.
۸. ابن سعد، طبقات الکبری، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ط ۲.
۱۰. همو، محمد علی، متشابه القرآن، مؤسسه بیدار، قم، ۱۴۱۰ ق، ط ۳.
۱۱. ابن ضریس بجلی، محمد بن ایوب، فضائل القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۸ م، ط ۱.
۱۲. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، تهران، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۳ ق، ط ۱.
۱۴. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق خلیل المیس، بی تا، ط ۲.
۱۵. ابن ندیم، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ ش، ط ۱.
۱۶. ابوالفتوح رازی، روض الجنان (تفسیر ابوالفتوح)، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۴ - ۱۴۲۰ ق، چ اول.
۱۷. اسبر، محمدعلی، علی فی القرآن والسنة، دارالاصالة، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ط ۱.
۱۸. استرآبادی، محمد بن قاسم، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، تحقیق محمدباقر ابطحی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق، چ اول.
۱۹. اسد حیدر، الامام صادق والمذاهب الاربعة، المكتبة الامام اميرالمؤمنين، اصفهان، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. اشراقی، شهاب الدین فاضل محمد، اهل البيت یا چهره درخشان در آیه تطهیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش، چ چهارم.
۲۱. امین، سید حسن، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۲ ق، ط ۱.
۲۲. امینی، عبدالحسین، الغدير، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة، قم، ۱۴۱۶ ق، ط ۱.
۲۳. اندلسی، ابی حیان، البحر المحیط، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. ایازی، سید محمد علی، المفسرون

- حیاتهم ومنهجهم، سازمان چاپ وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۷۳ش، ط ۱.
۲۵. همو، کاوشی در جمع قرآن، کتاب مبین، رشت، ۱۳۷۸ش.
۲۶. همو، فقه پژوهی قرآنی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.
۲۷. بحرانی، سید هاشم، غایة المرام، مؤسسة التاريخ العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق، ط ۱.
۲۸. همو، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثت، قم، ۱۳۷۰ش.
۲۹. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم والمعارف، تحقیق سید محمد باقر ابطحی، مؤسسة الامام المهدي، قم، ۱۴۱۶ق.
۳۰. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۲ش، ط ۲.
۳۱. بخاری، ابو عبیدالله، صحیح بخاری، دارالمعرفة، بیروت، با حاشیه سندی، افسست از چاپ بولاق.
۳۲. برسی، حافظ رجب، مشارق الانوار، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ق، ط ۱.
۳۳. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق سید مهدی رجایی، المجمع العالمی لاهل البيت، قم، ۱۴۱۶ق، ط ۲.
۳۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل، (تفسیر البیضاوی)، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۸ق، ط ۲.
۳۵. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق ابراهیم عطوه عوض، ۱۳۸۱ق.
۳۶. تمیمی قاضی نعمان، تأویل الدعائم، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۵ق، ط ۱.
۳۷. دانشنامه جهان اسلام، مؤسسة دائرة المعارف اسلامی، تهران، (تاکنون ۱۳۸۵ - ۱۰ج).
۳۸. جلالی سید محمد رضا، تدوین السنة الشریفه، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ق، ط ۱.
۳۹. جمعی از مؤلفان، زیر نظر آیت الله وحید خراسانی، کتاب الله واهل البيت فی حدیث الثقلین من الصحاح والسنن والمسائید، مدرسة الامام الباقر، قم، ۱۴۲۴ق.
۴۰. جمعی از مؤلفان، الامامة والولاية فی القرآن الکریم، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳ق.
۴۱. جوهری، اسماعیل، الصحاح للغة، دارالعلم للملایین، بیروت، افسست از چاپ قاهره، ۱۳۷۶ق.
۴۲. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، مستدرک حاکم علی الصحیحین، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
۴۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، معرفه علوم الحدیث، دارالآفاق الجدیدة، بیروت، ۱۹۷۹م، ط ۳.
۴۴. حبري، حسین بن الحکم، تفسیر الحبري، تحقیق سید محمد رضا جلالی، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۷ق، ط ۱.
۴۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۵ق.
۴۶. حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل،

- تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسة الطبع والنشر، تهران، ۱۴۱۱ق، ط ۱.
۴۷. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، روح البیان، دارالفکر، بیروت، افست از چاپ عثمانی، بی تا.
۴۸. حکیم، محمدتقی، الاصول العامة للفقہ المقارن، مؤسسه آل البيت، قم، افست از چاپ نجف، ۱۴۰۱ق.
۴۹. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۳ق، ط ۱.
۵۰. حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، مطبعه حکمت، قم، ۱۳۸۲ق، ط ۱.
۵۱. دینوری، ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، تحقیق سید احمد صقر، المكتبة العلمية، بیروت، ۱۳۹۳ق.
۵۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ق، ط ۱.
۵۳. روحانی، سیدمهدی، بحوث مع اهل السنة والسلفية، المكتبة الاسلامية، بیروت، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م، ط ۱.
۵۴. زحیلی وهبة، التفسیر المنیر، دارالفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۱۱ق، ط ۱.
۵۵. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق یوسف مرعشی، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۵ق، ط ۲.
۵۶. زمشیری، جارالله محمود بن عمر، تفسیر کشف، ادب الحوزة، قم، افست از چاپ بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۵۷. سیوری، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسة الطبع والنشر، تهران، ۱۳۷۳ش، ط ۵.
۵۸. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵۹. همو، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، انتشارات رضی، قم، ۱۳۸۲ش، ۲ج، ط ۱.
۶۰. شریف مرتضی علی بن الحسین، رساله آیات الناسخة والمنسوخة، تحقیق علی جهاد الحسانی، مؤسسة البلاغ، بیروت، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م، ط ۱.
۶۱. شریف مرتضی، علی بن الحسین، الموضح عن جهة اعجاز القرآن (الصرفه)، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۳ش، ط ۱.
۶۲. شوشتری، قاضی نور الله، احقاق الحق وازهاق الباطل، مكتبة المرعشی، قم، ۱۳۶۴ش.
۶۳. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر شوکانی، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۶۴. صادقی، محمد، الفرقان، دارالبلاغه، بیروت و مؤسسه فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ش.
۶۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، با مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم، دارالبلاغه، بیروت، بی تا.
۶۶. همو، مکارم الاخلاق، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۲ق، ط ۶.
۶۷. همو، امالی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۰ق، ط ۵.
۶۸. همو، خصال، مؤسسة الاعلمی

- للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۰ ق، ط ۵.
۶۹. همو، من لا یحضره الفقیه، تحقیق سید حسن موسوی، دار صعب، بیروت، ۱۴۰۱ ق، ط ۱.
۷۰. همو، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالمعرفة، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
۷۱. همو، توحید، تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، قم، افست از نشر صدوق.
۷۲. همو، عیون اخبارالرضا، تصحیح سید مهدی حسینی لاجوردی، انتشارات جهان، تهران، بی تا.
۷۳. همو، اکمال الدین، دارالحديث، قم، ترجمه منصور پهلوان، ۱۳۸۲ ش، ط ۲.
۷۴. صغیرمحمدحسین، الصورة الفنية فی المثل القرآنی، دارالهادی، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ط ۱.
۷۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۳ ق، ط ۳.
۷۶. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۰ ق، ط ۲.
۷۷. طبرسی، مجمع البیان، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، اسلامیة، تهران، بی تا.
۷۸. طبری، ابن جریر، جامع البیان، تحقیق صدقی محمد جمیل العطار، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ط ۱.
۷۹. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۳ ق، ط ۱.
۸۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۸۱. همو، امالی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا.
۸۲. عاملی، جعفر مرتضی، اهل بیت در آیه تطهیر، ترجمه محمد سپهری، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۲ ش، چ اول.
۸۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ط ۱.
۸۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۲۱ ق، ط ۱.
۸۵. فخر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۸۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق، ط ۱.
۸۷. فیروزآبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۲ ق، ط ۴.
۸۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، تنویرالمقباس، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۸۹. قپانچی، سیدحسن، مسند امام علی، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ ق، ط ۱.
۹۰. قرطبی، محمد بن احمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۹۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، تحقیق سید محمد مهدی الخراسان، انتشارات شریف رضی، قم، افست از طبع مکتبة الحیدریة نجف، ۱۳۸۴ ق.
۹۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، اسلامیة، تهران.

۹۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تحقیق محمد کاظم، مؤسسة الطبع والنشر، تهران، ۱۴۱۰ ق، ط ۱.
۹۴. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
۹۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دارالوفاء، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
۹۶. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، تحقیق میرزا محسن کوچه باغی، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۹۷. مراغی، احمد، محاسن التأویل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۹۸. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیة، مؤسسه انصاریان، قم، ۱۴۱۷ ق.
۹۹. مطهری، مرتضی، شناخت قرآن، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۰۰. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۰۱. معزی ملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشیعة، (طرح و اشراف آیت الله بروجردی)، مطبعه مهر، قم، ۱۳۷۶ ش.
۱۰۲. معین، محمد، فرهنگ معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸ ش، ط ۵.
۱۰۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، المؤتمر العالمی بمناسبة ذکری الفیة، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۰۴. همو، الارشاد، همان.
۱۰۵. همو، امالی، تحقیق حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۳ ق.
۱۰۶. موسوی کرمانی، سید حسین، مجمع الانوار یا آیه تطهیر و حدیث کساء، چاپخانه علمی، قم، ۱۳۹۱ ق، ط ۱.
۱۰۷. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت، قم، ۱۴۰۷ ق، ط ۱.
۱۰۸. نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۶ ق، ط ۱.
۱۰۹. واحدی نیشابوری، اسباب النزول، تحقیق کمال بسیونی زغلول، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ط ۱.
۱۱۰. همدانی، قاضی عبدالجبار، المغنی فی ابواب التوحید، دار احیاء التراث العربی، بیروت، افسست از طبع قاهره، ۱۴۲۰ ق.
۱۱۱. مجله رساله القرآن، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۶ شماره، ۱۴۱۱ - ۱۴۱۴ ق.
۱۱۲. مجله علوم حدیث، قم، مؤسسه دارالحدیث.

